هو الابهی الابهی - ربّی و رجائی و ملجئی و منائی انّ…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٨٩

### **هو الابهی الابهی**

ربّی و رجائی و ملجئی و منائی انّ عبدک الّذی اضفته الی اسمک الجليل و نسبته الی العبوديّة لجمالک المبين و نبئک العظيم و شرّفته بالسّجود لک و الخضوع بباب احديّتک و انت مشرق من افق المنير و مطلع کريم ای ربّ ايّده بسطوع انوار الهدی فی وجدانه من کوکب العلی و عطّر مشامه من نفحات تنتشر من رياض ملکوتک الأبهی و طهّر ثياب فؤاده بالمآء الطّهور المبارک النّازل المنهمر من سحائب جبروتک الاعلی ليثبّت الکلّ علی عهدک و ميثاقک الّذی تتلئلأ فی اوج ملکوت الانشآء و يصبح آية باهرة فی ملکوت الوجود و نوراً لامعاً فی سمآء الشّهود و کوکباً بازغاً فی مشرق الانفس و الآفاق بجودک يا قيّوم کلّ موجود انّک انت الموفّق المؤيّد العزيز الکريم. آنچه از قلم وفا بر لوح ولا مرقوم گشته بود به بصر حديد ملاحظه شد. از مضمون ثبوت و استقامت احبّای رحمن بر امر اللّه و تمسّک محکم به عهد و ميثاق الهی و سعی و کوشششان در اعلاء کلمة اللّه کمال روح و ريحان حاصل گشت. از تأييدات غيبيّه سلطان احديّت منتظريم که آن مجمع روحانی را به سطوع انوار رحمانی چون گلشن انجمن ربّانی منوّر و روشن فرمايد. و از خبر شهادت آقا مرتضای سروستانی از جهتی احزان شديد هجوم نمود چه آن مظلوم سبيل الهی چند سال بود که در تحت سلاسل و اغلال بود و از هر قسم محنت و بلايا را در راه خدا کشيد و نهايت به منتهای مظلوميّت در محبّت جانان جان بداد و از جهت ديگر اين شدائد بلايا را آن مظلوم راحت جان و لذّت وجدان يافت و بايد به شکرانه الطاف حضرت رحمن زبان گشود که الحمد للّه چنين نفوس مبارکی مبعوث فرموده که در زير زنجير و شمشير رقص‌کنان در سبل رحمن جان را رايگان نثار می‌نمايند. اين از اعظم عنايت الهيّه است که ارواحی را که عاقبت بی فائده و ثمر يقين است که از اين عالم می‌روند آنها را ربح عظيم عنايت فرموده در راه خويش قربان می‌فرمايد. لا تحسبنّ الّذين قتلوا فی سبيل اللّه امواتاً بل احياء عند ربّهم يرزقون. ع ع